

الباب الحادى و العشر من الواحد الثانى فى بيان ان البعث حق.

حضرت باب

اصلى فارسى



الباب الحادى و العشر من الواحد الثانى فى بيان ان البعث حق.

ملخص اين باب آنكه كل را خداوند خلق فرموده بآنچه در كتاب خود نازل فرموده از ارواح عليين كه متعلق بحروف آنها است و دون آنها كه متعلق بحروف آنها است و هر شئى كه اطلاق شئيت بر او شود در يوم قيامت مبعوث ميگردد و بعث هر شئى بذكر "من يظهره الله" است در آن روز زيرا كه خلق آن شئى هم در اول بذكر او بوده اگر چه در ظهور قبل او بوده

مثلا اين فنجان و نعلبكي بلور كه الآن بين يدى الله گذارده در يوم قيامت مبعوث ميشود بكينونيت و ذاتيت و نفسانيت انيت در وقتى كه شجره حقيقت تنطق فرمايد كه اين فنجان و نعلبكي بعينه او است در هر فنجان و نعلبكي كه حكم شود اون ميشود چنانچه قبل وجود او بقول نقطه بيان بوده مثل در حد جماد زده شد تا در كل عوالم كل درك نمايند

مثلا در اين كور حروف حى قرار داده بقول خود در آن قيامت هم از هر نفسى كه بخواهد اين حروف را مبعوث ميفرمايد بقول خود زيرا كه غير قول او خلق شئى نميکند بكينونيت و چونكه قول او قول الله است در حين قول كينونيت شئى متكون ميشود اگر در عليين است بذكر حق و اگر در دون عليين است بدون او زيرا كه آنچه در قرآن رسول خدا قرار داده كل بايات الله قائم است و همين قسم امروز كه روز بعث قرآن است كل بامر الله مبعوث و قائم ميشود و كل ما على الارض بين يدى الله هست



ORIGINAL



AUDIO

و بعث کل بر جوهر کل میشود چنانچه خلق کل بر نفس واحده میشود بعث کل هم بر نفس واحده میشود در حینی که نفس واحده بعث میشود بعث کلشیء فردا فردا در امکانه خود میشود اگر چه بذکر الله باشد که خداوند نازل فرماید بعث شیء را و کسی غیر از او نداند و بعد بشهادة الله کل شهادت دهند

مثل آنکه این بعینه بساطی است که مشیت اولیه بر روی آن نشسته و حال آنکه اولی از برای او نبوده و ذکر هر ظهور بنفسه در حق او میشود تا آنکه بعینه این بساطی است که بر روی آن نشسته بود رسول خدا - صلی الله علیه و اله -

و این است سر آنچه در احادیث مذکور است که آنچه در نزد نبیین بوده در نزد قائم آل محمد هست در امکانه که حکم فرماید زیرا که آنچه کل دارند از او است و آنچه حکم فرماید در حق هر شیئی همان شیئی بوده اگر چه در صدر اسلام محمد ابن عبد الله - صلی الله علیه و اله - بر آن وصف و بر آن نوع ظهور بوده و امروز بر این وصف و بر این نوع ظهور است

و تا آنکه کسی ناظر بنقطه حقیقت نشود ادراک بعث کلشیء را در نفس واحده نتواند کرد اگر چه هر ذیروحو اگر تفکر نماید بتواند آنچه مکلف است از اعتقاد ببعث اخذ کند تا یوم ظهور "من یظهره الله" که هر کس بسوی او راجع شد بعث او در علین و در ظل شجره اثبات میگردد و الا بعث آن در دون علین و داخل شجره نفی میگردد و اگر شیئی باسم ذکر بعث او نشود همینقدر که میفرماید مبعوث کردیم کلشیء را کل مبعوث میگردد در امکانه خود در ظل نقطه واحده اگر در علین است بشجره اثبات و اگر در دون آنست بشجره نفی

ولا یعزب من علم الله من شیء لا فی السموات ولا فی الارض ولا ما بینهما یبعث کل شیء بامرہ انه کان علی کل شیء قدیرا و بعث هیچ نفسی از نفس میت نمیشود که از قبر ترابی بیرون آید بلکه بعث کل از نفس احیاء آن زمان میگردد اگر از علین است از مؤمنین و اگر از دون علین است از دون آن و مردی نیست از برای بعث هر شیئی در یوم قیامت نزد خداوند عز و جل اذ ان الله یبدأ ذلک الخلق ثم یعیده و قدر خلق کل شیء ثم یبعثه و الله علی کل شیء قدیر.

